بررسی نقش و کارکردهای شهرهای میانی در توسعه‌ی اقتصاد منطقه ای

(مطالعه‌ی موردی: شهر بروجرد)

دکتر علی موحد (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسؤول)
Movahed_a@scu.ac.ir
ماندانا مسعودی راد (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا وبرنامه ریزی دانشگاه شهید چمران اهواز)

چکیده

در برنامه ریزی منطقه‌ای، هدف، استفاده‌ی بهینه از منابع برای توسعه‌ی مناطق است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در توسعه‌ی منطقه‌ای، شناخت ساختار فضایی و اقتصادی منطقه است. در بررسی ساختار اقتصادی مناطق، شهرهای میانی پس از شهرهای درجه اول، از نقش قابل توجهی برخورداراند. توجه به نقش و کارکرد شهرهای میانی، می‌تواند به توسعه‌ی منطقه شتاب بخشد. تجربیات جهانی نشان داده که بی‌توجهی به نقش شهرهای میانی (به ویژه نقش اقتصادی) هم زمان با روند فزاینده‌ی شهرنشینی، به قطبی شدن کشور و پدیده‌ی بزرگ سری و بروز عدم تعادل‌های شدید در نظام اسکان، به دور ماندن بخش‌هایی از سرزمین از روند توسعه و ایجاد شکاف بین مناطق شهری و نیز روستایی می‌شود. نظریّه های شهر های میانی (درجه دو) بیش تر بر توسعه‌ی درون زا، در مقابل جذب فعّالیّت‌های اقتصادی برونی تأکید دارد. در این پژوهش برای کسب نتایج مورد نظر از میان روش ها و الگوهای آماری و اقتصاد سنجی و تحلیل اقتصادی منطقه از سه روش ضریب مکانی، تحلیل ساخت و اقتصاد منطقه – الگوی تغییر سهم و تحلیل موقعیّت اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهر بروجرد به عنوان دومین شهر منطقه با ارایه‌ی کارکردهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی در بهبود شرایط اقتصادی کل منطقه تأثیرگذار است و به عنوان یک شهر میانی در منطقه به واسطه‌ی تعاملات و جریان متقابل باحوزه های کوچکتر پیرامون خود می تواند در استمرار و پویایی اقتصادی(تأثیر خرد نقشی) آنها مؤثّر باشد.

کلیدواژه‌ها: شهر میانی، توسعه‌ی منطقه ای، اقتصاد منطقه ای، بروجرد.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۱۳ تاریخ تصویب:۱۳۸۸/۹/۲۵

درآمد:

در سال‌های گذشته، عمده مباحث و مطالعات شهری – منطقه ای در جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بر ضرورت شناخت و تحلیل اهمیت نواحی متروپلیتن، شهرهای بزرگ و بعضاً شهر های جدید تأکید داشته است. بر این اساس که اصولاً شهرهای درجه دوم و سوم از لحاظ اقتصادی و بازگشت سود نمی توانند کارآیی لازم را داشته باشند(فنی، ۱۳۷۸ : ۴۹). در حالی که یکی از ارکان توسعه (بر اساس برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی عمرانی) یکپارچگی منطقه آن و رفع عدم تعادل‌های اقتصادی –اجتماعی است. امروزه پس از گذشت دو دهه، توجه دوباره ای به نقش شهرهای کوچک و میانی در توسعه‌ی اقتصاد منطقه ای (و نقشی که آنها می توانند در الگوهای توسعه‌ی فضایی برای کاهش فقر و توسعه‌ی عادلانه داشته باشند) صورت گرفته است. این رویکرد، بنابر تحولات اقتصادی سیاسی و نیز در واکنش به نتایج ناخوشایند رویکردهای از بالا به پایین و اقتصاد کلان که به سبب چشم پوشی از سطوح پایین تر سیستم های فضایی در دست‌یابی به توسعه شکست خورد، صورت گرفته است (owsu,۲۰۰۸ :۴۵۳).

از این رو می توان گفت که اهمیت و نقش شهرهای درجه دوم و سوم در دست‌یابی به توسعه و نهایتاً توسعه‌ی منطقه ای غیر قابل چشم پوشی است. نظریّه‌ی شهر های درجه دو بیش تر بر توسعه‌ی درون زا، در مقابل جذب فعّالیّت‌های اقتصادی برونی تأکید دارد و در نتیجه تقویت ارتباط شهر –روستا، اهمیت‌یکسان بر زیر بنای اقتصادی و توسعه‌ی مراکز متعدد را شامل می شود (زیاری، ۱۳۸۷: ۲۱۹).

تحرّک در شهرهای میانی باید بر اساس سیاست گذاری های منطقه ای صورت گیرد، سیاست گذاری‌های منطقه ای عبارت است از آن دسته کوشش های آگاهانه وعمده‌ای که از سوی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده های اقتصادی و اجتماعی، از قبیل جمعیّت، درآمد، تولید انواع کالاها و خدمات تسهیل حمل و نقل و سایر زیر ساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی انجام شود(پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۲: ۳۸).

به هر شکل، هدف از ایجاد تحرّک در شهرهای میانی، دست‌یابی به توزیع موزون و هم‌آهنگ و نهایتاً توسعه‌ی متوازن منطقه ای است. براساس بررسی های انجام گرفته در ایران و منطقه‌ی مورد مطالعه، کارکردها ونقش های مختلف اقتصادی – اجتماعی شهرهای میانی(و شهر بروجرد) از عوامل مهم توسعه زا در سطح منطقه‌ای به حساب می‌آیند. در این راستا شهر بروجرد از ویژگی های شهرهای میانی برخوردار است و امکان

اشتغال بخشی را فراهم می آورد و از سوی دیگر می تواند عامل رشد و ثروت و رفاه عمومی در منطقـه شـده و موجب ایجاد زیرساخت‌های بهتر و فراهم شدن پایه ها و زیرساخت‌های لازم، جهت ایجاد سـایر فعّالیّـت هـا از جمله خدمات و منابع جدید شود و سرانجام این رشد به نقاط پیرامونی هم سرایت کند. شناخت و تعیین نقش و جایگاه بروجرد در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات به عنوان یک شهر میانی می‌تواند بر افزایش نقـش منطقه ای و محلی آن تأثیر به سزایی داشته باشد. لذا توجه به نقش و کارکرد شهرهای میانی بروجـرد مـی توانـد توسعه‌ی منطقه‌ای (لرستان) را شتاب بخشد.

در این راستا سؤال پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

۱. آیا شهر میانی بروجرد در توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ی لرستان نقش دارد؟

۲. مزیّت نسبی شهر میانی بروجرد در کدام بخش از فعالیّت های انسانی است؟

فرضیه‌ی پژوهش بدین شرح است:

۱. به نظر می‌رسد، شهر میانی بروجرد پس از شهر خرم آباد در توسـعه‌ی اقتـصاد منطقـه‌ی لرسـتان نقـش دوم را دارد؛

۲. به نظر می رسد مزیت نسبی بروجرد در فعالیت های صنعتی است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله از نوع توصیفی ـ تحلیلی است و نوع پژوهش کاربردی ـ نظری می‌باشـد. بـرای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده‌شده است. نوع تحلیل در این پژوهش کمّی است و از روش‌ها و الگو های اقتصادی ضریب مکانی (LQ)[۱] و الگو تغییر سهم[۲] استفاده شده است.

ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

شهرهای کوچک و متوسط یا مراکز شهری سطح پایین در سلسله مراتب شهری و نقش آنهـا در توسـعه‌ی منطقه‌ای، یکی از مباحث جدّی در محافل علوم منطقه ای است. نظریّات و عقاید متفاوتی در مورد نقش آنها در توزیع مدرنیزاسیون، اثرات آنها در توسعه‌ی مناطق روستایی، عملکرد آنها به عنوان مراکـز ارائـه خـدمات و نیـز

۱. Location Quotient
۲. shift and share model

نقش آنها در جلوگیری از مهاجرت روستایی مطرح است. در کشورهای در حال رشـد، شـهرهای بـزرگ بـا عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خـدماتی، اجتمـاعی و اقتـصادی را بـه خود اختصاص داده اند و شهرهای کوچک و میانی با ارتباط ضعیف جوامع پایین‌تـر از خـود بـه صـورت فضاهای پیرامونی، حاشیه ای و وابسته درآمده اند(باقری، ۱۳۷۵: ۲).

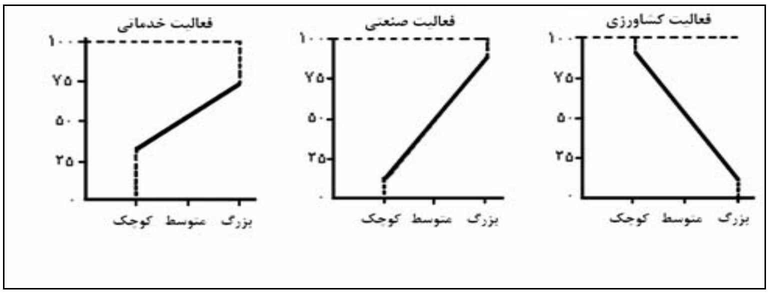
طرفداران نظریّه‌ی شهرهای کوچک، که شاید بتوان آنان را مخالف شهرهای بزرگ نیز دانست، توسعه‌ی صنعتی و کشاورزی را از یکدیگر جدا نمی‌دانند و بر اهمیت مراکز شهری کوچک و میانی به لحـاظ اقتـصادی (با اشتغال بخشی) و توسعه‌ی درون‌زا تأکید می کنند. طرفـداران شـهرهای میـانی معتقدنـد در شـهرهای بـزرگ عواطف ضعیف می شوند، محیط زیست آسیب می بیند و شهر زیبایی اش را از دست می دهد.

طرفداران شهر های میانی به پایین بودن هزینه ها در این شهر ها اشاره کرده و عقیـده دارنـد، در شـهر هـای میانی، مشکلات ناشی از مسکن، حمل و نقل و اشتغال، خدمات شهر و آلودگی کاهش مـی‌یابـد. ضـمناً ایـن شهرها به اقتصاد روستایی تحرّک می‌بخشند و در مجموع نظریّه‌ی صنعتی شدن را در شـهر هـای متوسـط بهتـر می‌توان ادامه داد(زبردست، ۱۳۸۳: ۲۴).

شهرهای میانی از حیث اجتماعی دارای خصوصیاتی مشابه و در عین حال متفـاوت بـا شـهرهای گـروه ماقبل و مابعد خودارند. در این گروه از شهرها شباهت بـه شـهرهای بـزرگ بـه دلیـل غلبـه‌ی فعّالیّـت هـای بازرگانی وخدماتی و شباهت شان بـه شـهرهای کوچـک ناشـی از اشـتغال بخـش وسـیعی از جمعیـت بـه فعّالیّت‌های کشاورزی است .این اختلاط، سیمای خاصّی به شهرهای میانی می بخشد و هم‌زمـان بـا وجـود برخی مطلوبیّت‌های زندگی درشهرهای بزرگ، کیفیّاتی از حیات روسـتایی و سـکونتگاه‌هـای کوچـک را بدان القاء می نماید. اصولاً نرخ رشد ونرخ مهاجرت به داخل، هم سو با مقیاس شهر تغییر می‌کنـد و بـا آن ارتباط مستقیم دارد، در حالی که نرخ مهاجرت به بیرون بـا مقیـاس شـهر نـسبت عکـس داشـته و بـه طـور معکوس تغییر می‌کند. وجود دوگانگی اجتماعی در شهرهای میانی به دلیل ساختار دوگانـه‌ی اقتـصادی ایـن گونه شهرهاست (باقری،۱۳۷۵: ۱۳-۱۱). شهرهای میانی از نظر اقتصادی، مستعد برترین فعّالیّت‌های تجـاری و

خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکـز یافتـه، هستند(باقری،۱۳۷۷: ۸۹).

شکل شماره ۱: نمودار ارتباط میان بین اندازه شهر و فعّالیّت های اقتصادی



مأخذ: باقری، اشرف السادات، ۱۳۷۷: ۹-۸

فیلهو معتقد است که نقش و اهمیت شهر های کوچک و میانی از دهه‌ی ۱۹۷۰ بیش تـر مـورد توجـه قـرار گرفت. سیاست تشویق شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی و اقتـصادی فرانـسه (۷۵– ۱۹۷۱) به منظور تمرکز زدایی و ایجاد نظام متعادل‌تر مطرح گردید و در طول برنامه برای دهه‌ی هفتاد شهر به کار رفت. در کنفرانس جمعیت سـازمان ملـل (۱۹۷۴) بخارسـت، لـزوم تجهیـز شـبکه‌ی جهـانی شـهرهای کوچک و میانی برای کاهش رشد شهرهای بزرگ مطرح گردید و این سیاست بعـدها توسـط کـشورهای در حال توسعه، که با الگوی نا متوازن شهری روبرو بودند، پیگیری شد(همان : ۲۶).

در ایران نیز بر اساس طرح آمایش سرزمین بـه اصـل تمرکـز زدایـی (عمـلاً در جهـت خـلاف اصـل صـرفه جویی‌های ناشی از مقیاس) توجه شده است، بر این اساس از انباشتگی بـیش از حـد جمعیـت در یکـی دو مرکـز انتقاد شده است (توفیق، ۱۳۸۴: ۴۷۶). از آن جا که شهر ها به عنوان وزنـه هـای اصـلی نـواحی، حالـت تعـادل بخشی دارند، و به دلیل نقش چشمگیرتر شهرهای میانه اندام در این تعادل باید در کالبد و توسعه‌ی آنها اهمیت فراوانی قایل شد، لذا تقویت این شهرها به موازات چارچوب برنامه های ملی ـ ناحیه‌ای مـی توانـد نتـایج بـسیار مفیدی در توسعه‌ی متعادل ناحیه ای و منطقه ای داشته باشد(حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

سابقه‌ی توجه به شهر های میانی در ایران به برنامه‌ی پنجم عمرانی (۵۶–۱۳۵۲) قبل از انقـلاب مـی رسـد. در این برنامه بر سیاست گذاری‌های عمران نواحی با هدف کـاهش اخـتلاف منـاطق کـشور، پیـشبرد برنامـه هـای

خاص ناحیه‌ای و کاهش مهاجرت‌های بین استانی، سیاست‌گذاری عدم تمرکز اداری و اقتصادی تأکید شد. ضمناً ایجاد نظام شهری موزون با تأکید بر حوزه‌های نسبتاً مستقل سیزده شهر مرکز مناطق کشور و تقویت شهرهای متوسط، برقراری نظام سلسله مراتبی خدمات رسانی روستایی با تجهیز و ایجاد شهرهای کوچک، عدم تمرکز اداری و... مورد توجه قرار گرفت(صرافی، ۱۳۷۷ :۷۷).

توجه به شهرهای میانی در برنامه ریزی شهری و منطقه ای ایران به دنبال نقد تئوری قطب رشد و کاربرد آن صورت گرفت. در این زمینه میسرا (۱۳۵۲) سعی کرد، تا روابط مناسبی بین اجزاء و عناصر تئوری مکان مرکزی و تئوری پخش فضایی ایجاد کند. بر همین مبنا او الگوی سلسله مراتبی پنج مرحله ای ارایه داد. این الگو بر مبنای مطالعات و تجربیات میسرا در هندوستان، ایران و برخی کشورهای جهان سوم، فرموله شده است. میسرا بر اساس بررسی های منطقه ای در ایران، ضمن تقسیم کشور به ده کلان منطقه، الگویی برای برنامه ریزی چند سطحی بر مبنای سطوح مختلف کانون‌های رشد ارائه کرد، این سطوح به شرح زیراند:

جدول شماره ۱ . سطوح کانون‌های پیشنهادی میسرا در ایران

سطوح پیشنهادی	تعداد در کشور	حداقل جمعیت (هزارتن)	موقعیّت سیاسی
قطب رشد	۱۰	۵۰۰	کلان‌شهر
مراکز رشد	۱۰۰	۱۰۰	شهر متوسط
نقاط رشد	۵۰۰	۲۵	شهر کوچک
مراکز خدمات	۴۰۰۰	۲	روستا –شهر
روستای مرکزی	۲۰۰۰۰	۰/۵	روستا

مأخذ: کلانتری، ۱۳۸۰: ۷۹

تعریف شهرهای میانی

تعریف دقیقی از شهرهای میانی وجود ندارد. گروهی از پژوهشگران اعتقادی به اندازه‌ی بهینه‌ی شهر ندارند و آن را در نظام بهینه‌ی توزیع شهری بررسی می‌کنند. گرچه خود کلمه میانی و متوسط برای شهر به طور ذاتی نشان سطحی از اندازه است. افلاطون عدد ۵۰۴۰ را برای شهرهای شایگان مترادف با شهر متوسط بیان می‌کند(زنجانی ۱۳۷۰: ۸۴ و زیاری ۱۳۸۶: ۱۶) هاردوی و ساتراتوایت شهرهای میانی را با جمعیت بیست هزار تن

و بیش تر تعریف کرده اند، در سمینار « نقش شهرهای میانی و کوچک در توسعه‌ی ملی » که در مرکز توسعه‌ی منطقه‌ای ملل متحد(UNCRD) در ژاپن سال ۱۹۸۲ برگزار گردید، شهرهای با جمعیت بین بیست تا صد هزار تن شهرهای کوچک و میانی تعریف شده اند.

راندینلی(۱۹۸۳) در بررسی های خود، در مورد شهرهای با جمعیت صدهزار تن و بیشتر را شهرهای میانی در نظر گرفته است. در ایران بحث از شهرهای میانی اولین بار و به طور رسمی در گزارش های آمایش سرزمین به میان آمده است. در طبقه بندی طرح آمایش سرزمین ۱۳۶۴، طبقه بندی زیر صورت گرفته است، شهرهای کوچک زیر پنجاه هزار تن جمعیت، شهرهای متوسط بزرگ بین صد تا دویست و پنجاه هزار تن، شهرهای بزرگ میانی بین دویست و پنجاه تا پانصد هزار تن و شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ از پانصد هزار تن تا دو میلیون تن (زبردست، ۱۳۸۳: ۱۱).

دلایل توجه به شهرهای میانی

برتری یک شهر مرکزی عمدتاً در کشورهای در حال توسعه ای اتفاق می افتد که شهرنشینی سریع را تجربه کرده اند. کشورهای در حال توسعه، برخلاف کشورهای توسعه یافته، در قرن نوزدهم فن‌آوری پیشرفته را از کشورهای توسعه یافته تقلید کردند.

کشورهای در حال توسعه با توجه به محدودیت منابع تجارت و بازرگانی از مزایای تجمّع اقتصادی در یک شهر مرکزی، که زیر ساخت های صنعت در آن نسبتاً توسعه یافته اند، بهره می برند. در نتیجه، در کشورهای در حال توسعه بر کارآیی توسعه‌ی زیر ساخت های صنعت، که در آن نسبتاً توسعه یافته اند، بهره می برند. بنابراین، بر کارآیی توسعه اقتصادی به عنوان یک سیاست اصرار شده است و به دنبال آن برتری شهر مرکزی تداوم یافته است. برتری سیستم شهری از دیدگاه سیستم متوازن شهری توسط محققان بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. کشورهای مورد بحث طیّ فرآیند رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی با ظهور ناگزیر قطبی شدن الگوهای فضایی روبرو شده اند. این برتری شهر پایتخت، موجب ایجاد شکاف عمیق میان مناطق شد. در نتیجه‌ی چنین شکافی مهاجرت عظیم روستاییان به مناطق شهری اتفاق افتاد(۴۷ : ۱۹۹۵, Mal Soon).

بر همین اساس، در حالی که جمعیت ایران طیّ دویست سال هشت برابر شده است، جمعیت شهر تهران در همین دوره ۲۲۵ برابر شده است (داوودپور، ۱۳۸۳: ۴۴). این رشد سریع جمعیت و افزایش سهم ملّی

فعّالیّت‌های نوین اقتصادی، موجب ایجاد اختلال در ساختار و عملکرد شهری شده است، که برای مثال موجب خروج بیش از حدّ نیروی کار ماهر از شهرهای کوچک ومیانی شده است. در نتیجه، در دهه های اخیر، هم‌زمان با ایجاد گرایش به پایداری و توزیع عادلانه‌ی فعّالیّت های اقتصادی و شمار جمعیت، توجه به شهرهای میانی و کوچک افزایش یافته است(Mal Soon، ۱۹۹۵: ۴۸).

مشکلاتی که مادر شهرها به وجود آوردند، انگیزه ای برای مطالعه و بررسی شهرهای کوچک و میانی در ارتباط با توسعه‌ی پایدار ایجاد نمود. در این راستا شهرهای میانه اندامی که کاملاً با منطقه‌ی روستایی تحت نفوذ خود ادغام شده اند و بر خلاف مراکز مادر شهری نقشی حیاتی در تعاملات روستا شهری ایفا می نمایند، مورد نظر قرار می گیرند. این شهرها برای ساکنان روستایی، شرایط زیست بهتر، مشاغل و آلودگی های محیطی کمتری فراهم می‌آورند و در عین ایجاد بازارهای محلّی برای تولیدات روستایی، روستاییان را در استفاده از خدمات و زیر ساخت های همگانی سهیم می کنند. این شهرها، می توانند در جذب سرمایه گذاری‌هایی که قبلاً متمایل به مرکز بود، موفق باشند. از سوی دیگر این شهرها با موانعی روبرو هستند که در صورت تمایل به تقویت باید با آنها روبرو شوند. در این راستا باید در جهت مدیریت شهری کارآمدتر و مدیریت باثبات تر منابع مالی گام بردارند (Bolay،۲۰۰۴:۴۰۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد کارکردها و نقش های مختلف اقتصادی و اجتماعی از عوامل مهم توسعه زا در سطح ناحیه ای، منطقه ای و ملی قلمداد می‌شوند. شهرهای میانی به سبب کارآیی و ایجاد صرفه های اقتصادی، و نقش آن ها در توزیع متوازن جمعیت و عدالت و برابری و نهایتاً به سبب شکست عملکرد تنزّل تدریجی (قطب رشد) می توانند در توسعه‌ی منطقه ای مؤثّر واقع شوند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱ :۸۹). راندینلی می گوید شهرهای کوچک و میانی بیشترین روابط را با سکونتگاه های روستایی حوزه‌ی نفوذ خود برقرار می‌سازند (Rondinelli ،۱۹۸۵: ۱۴۴-۱۴۵). راندینلی در نظریّه اش به برخورد وابستگی‌ها اهمیت می دهد(شکویی، ۱۳۷۴؛ ۳۱۵). باتوجه به نظر این محقّق شهرهای میانی بر مبنای جمعیت، ممکن است به این ترتیب بر توسعه اثر بگذارند:

۱) شهرهای میانی ممکن است از مشکلاتی که مسکن، آلودگی، حمل و نقل، اشتغال، تأمین خدمات شهری در بزرگترین شهر ایجاد می کنند، بکاهد؛

۲) شهرهای میانی از نابرابری های ناحیه ای می کاهند، زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوزه‌ی مادر شهری از شهرهای میانی بیشتر است؛

۳) شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازارهایی برای تولیدات کشاورزی حوزه های روستایی، اقتصاد روستایی را تحرّک می بخشند؛

۴) سرمایه گذاری در شهرهای میانی فقر را کاهش می‌دهد و برای بیکاران و مهاجران روستایی اشتغال ایجاد می کند و از فشارهای جمعیتی و مهاجرتی می کاهد.

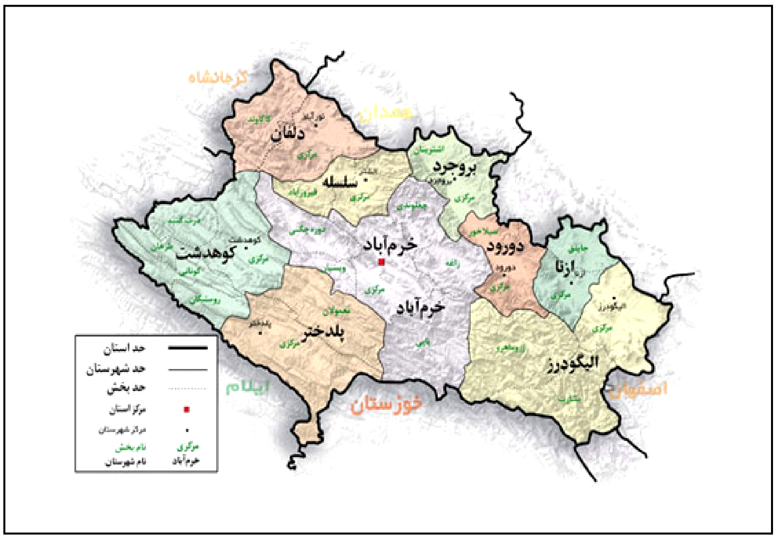
شهرهای میانی در نظام اسکان، از مناسبترین موقعیّت، جهت سپردن نقش نقاط ثقل و واسط برخورداراند، با پذیرش نقش مرکز نسبت به پیرامون، در مقیاس منطقه‌ای، علاوه بر رشد خود، موجب تثبیت بنیان‌های لازم رشد در منطقه و توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ خود خواهند شد (prakash,mathur ،۱۹۸۲:۱۷).

شناخت منطقه‌ی لرستان و شهر بروجرد

استان لرستان در جنوب غربی کشور به دلیل داشتن استعدادهای کشاورزی، وجود ظرفیّت های خدماتی به سبب واقع شدن در مسیر ارتباطی شمال به جنوب و شرق به غرب ایران، وجود منابع غنی آب و میزان نسبتاً بالای بارش دارای اهمیت فراوانی است. توسعه‌ی ناموزون منطقه‌ای، توسعه نیافتگی و تمرکز جمعیت در مرکز این استان، ضرورت آزمون و بررسی کارکردهای شهرهای میانی و کوچک را برای منطقه‌ی مورد نظر مطرح می‌سازد(این استان در سرشماری سال ۱۳۸۵ دارای ۲۳ شهر کوچک و نسبتاً بزرگ می‌باشد). به نظر می رسد که در منطقه‌ی لرستان، مانند سایر مناطق، ارتباط و تعامل متقابل بین اجزاء وجود دارد. البته این ارتباط متقابل بر حسب وجود امکانات، صنایع، وجود راه ها و... در بیشتر موارد ارتباطی یک سویه است که در آن شهرهای کوچکتر نقش کم‌رنگی ایفا می نمایند. در سال ۱۳۸۵ جمعیّت استان لرستان ۱۷۱۶۵۲۷ تن اعلام شده که ۵۹/۴۳ آنها در شهرها زندگی کرده و مابقی را روستاییان تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران،۱۳۸۵). به نظر می رسد که تبدیل تعدادی از نقاط روستایی به شهر و مراکز شهری و سرریز شدن نیروی شاغل از بخش کشاورزی، از مهم‌ترین دلایل افزایش جمعیت شهرنشینی است. آن گونه که واضح است اگر این تعداد نیرو نتوانند جذب بخش‌های صنعت و خدمات شوند، ناگریز در زمره‌ی بیکاران جویای کار قرار می گیرند. این میزان برای استان لرستان سالیانه حداقل به ۸ تا۹ هزار تن می رسد(معاونت برنامه ریزی استانداری لرستان، ۱۳۸۷: ۲۲) بررسی آمار نشان می‌دهد، مهاجرت روستاییان به شهر و افزایش فقر شهری معلول توسعه نیافتگی منطقه ای است. شهر میانی بروجرد(نقشه شماره ۱ موقعیّت شهر بروجرد را در میان شهرهای استان لرستان نشان می‌دهد)، مرکز شهرستان

بروجرد در صد کیلومتری شمال شهر خرم آباد در سال ۱۳۸۵، دارای جمعیتی معادل ۳۲۳۸۲۶ تن بـوده اسـت، که ۱۸/۶ درصد از جمعیّت استان را شامل می‌شود. شهرستان بروجرد با میزان ۷۲/۵ درصد شهرنـشینی بـالاترین درصد شهرنشینی، در استان را دارد. نرخ بیکاری در شهرستان بروجرد ۱۲٪ است، که از این نظر رتبه‌ی ششم را داراست. از نظر تعداد شاغلان در کارگاههای بزرگ صنعتی، این شهر با دارا بودن ۴۱۳۹ تـن کـه معـادل ۴۶/۶ درصد از کل شاغلان واحدهای بزرگ صنعتی است، در رتبه‌ی اول استان جای می گیرد. بـا توجـه بـه بررسـی ظرفیّت های محیطی و منطقه‌ای، شهر دارای قابلیّت هـای زیـر اسـت: ۱. قابلیّـت توسـعه‌ی نـواحی و اشـتغالات صنعتی به مناسبت وجود راهها، زیر ساخت لازم و فضای مناسب جهت سرمایه گذاری های اقتـصادی بخـش خصوصی؛ ۲. قابلیّت استعداد فعّالیّت های کشاورزی به مناسـبت برخـورداری از زمـین‌هـای حاصـلخیز دشـت سیلاخور و منابع کافی آب؛ ۳. قابلیّت در بخش خدمات به عنوان شهری میان راهـی و نیـز شـهری مرکـزی در محدوده‌ی مناطق روستایی پیرامون خود.

نقشه شماره ۱. موقعیّت شهر بروجرد دراستان لرستان



مأخذ: محمدی، ۱۳۸۶

یافته های پژوهش

شهر بروجرد، قابلیّت زیادی برای تبدیل به قطب های صنعتی، خدماتی و نهایتاً کشاورزی در منطقه دارد. این قابلیّت با استفاده از روش تحلیل ضریب مکانی[1] نیز مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول شماره ۲. مقایسه‌ی میزان ضریب مکانی شهر بروجرد نسبت به سایر شهرهای استان لرستان در سال ۱۳۸۵

شهر	L.Q (کشاورزی)	L.Q (صنعت)	L.Q (خدمات)
بروجرد	۰/۶	۱/۳۵	۱/۳
خرم آباد	۰/۸۱	۰/۷۷	۱/۲۳
کوهدشت	۱/۳	۰/۸	۰/۹۵
دورود	۰/۷	۱/۵	۰/۹
سلسله	۱/۵	۰/۳۶	۱/۰۳
الیگودرز	۱/۳۴	۱/۰۴	۰/۷۸
پلدختر	۱/۸۵	۰/۴۴	۰/۸۵
ازنا	۱/۴	۰/۹۱	۰/۸۳
دلفان	۱/۴۷	۱/۲۱	۰/۶۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان

۱. (کل اشتغال در کشور/اشتغال در بخش I در کل کشور)/(کل اشتغال در منطقه J/اشتغال در بخش I در منطقه J)= ضریب مکانی که فرمول ریاضی آن عبارت از:

$$LQ_i = \frac{e_i / \sum_i e_i}{E_i / \sum_i E_i}$$

آن چنان که جدول بالا نشان می‌دهد، شهر میانی بروجرد می‌تواند با داشتن توانایی نسبی در زمینه‌ی فعّالیّت‌های صنعتی و خدماتی (در مقایسه با سایر شهرهای استان لرستان)، در توسعه‌ی اقتصاد منطقه‌ی خود نقش مؤثّری ایفا نماید. براساس جدول بالا، میزان فعّالیّت‌های این شهر در دو بخش اقتصادی صنعت و خدمات از نوع پایه‌ای محسوب می‌شود و نسبت به سایر نقاط شهری استان مقدار بیشتری را نشان می‌دهد. اهمیت این موضوع در آن است که فعّالیّت‌های پایه‌ای ضمن برآورده ساختن نیازهای ساکنان منطقه‌ی خود، با صدور کالاها و خدمات به بیرون از آن، می‌توانند میزان درآمد منطقه‌ی خود را افزایش دهند.

جدول شماره۳. مقایسه‌ی تغییرات ضریب مکانی در شهر بروجرد نسبت به استان لرستان.(۸۵-۱۳۷۵)

شهر	فعّالیّت	L.Q ۷۵	L.Q۸۵
بروجرد	کشاورزی	۰/۶	۰/۶
	صنعت	۱/۱۴	۱/۳۶
	خدمات	۱	۱/۳۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان

براساس جدول شماره(۳)، شهر بروجرد در سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، موجب جذب و ایجاد درآمد و سرمایه‌گذاری از سایر نقاط کشور و استان می شود، ضمن آن که از فرار سرمایه های کوچک و بزرگ از استان و شهرستان جلوگیری به عمل می‌آورد. در زمینه‌ی فعّالیّت های صنعتی صادر کننده بوده و این بخش به عنوان بخش پایه ای اقتصادی عمل نموده است. شهر بروجرد در زمینه‌ی فعّالیّت های خدماتی در سال ۱۳۷۵، خودکفا و در سال ۱۳۸۵ به بخش صادر کننده تبدیل می‌شود؛ یعنی تا سال ۱۳۷۵ توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای خدماتی ناحیه را داشته و از سال ۱۳۸۵ به بعد بخصوص در زمینه های بهداشتی، آموزشی و آموزش عالی و خدمات سطوح بالاتر به تعداد جمعیتی بیش از ناحیه خدمات‌دهی نموده‌است.

بخش کشاورزی در شهرستان بروجرد در سال ۱۳۷۵ با میزان ۰/۶، خودکفانبوده و بخش تبعی اقتصاد به حساب می آید، این میزان در سال ۱۳۸۵ تغییری نیافته است(این رقم را می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های مناسب‌تر به خودکفایی نزدیک نمود)، ضمن آن که بهره‌گیری از ظرفیت های طبیعی آب و خاک حاصلخیز دشت‌های

ناحیه (از قبیل سیلاخور، چالانچولان و...) و بهبود در شیوه‌های تولید می‌تواند به خودکفایی این شهر در بخش اول فعّالیّت‌های اقتصادی منجر شود.

یکی دیگر از روش‌های ارزشیابی کارکردهای کلان در شهرهای میانی، تحلیل سهمی –بخشی [1]ساختار اقتصادی است(فنی، ۱۳۷۸؛ ۵۱). این روش تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر، در مقایسه با رشد بخش‌ها در سطح اقتصاد مرجع را بررسی می کند، این تفاوت که ممکن است مثبت یا منفی باشد، بیانگر تغییر مکان یا جابه‌جایی سهم اقتصاد شهر در اقتصاد مرجع است. در همین راستا موقعیّت شهر بروجرد هم در مقایسه با اقتصاد مرجع (کشور) و هم اقتصاد مرجع(استان) محاسبه‌شده‌است؛ (جداول شماره ۴ و۵)

جدول شماره ٤. بررسی وضعیّت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره ۷۵ و ۸۵ بر مبنای اقتصاد مرجع استان

ردیف	گروههای عمده فعّالیّت	استان		شهرستان		nsi	imi	Rsi
		۷۵	۸۵	۷۵	۸۵			
۱	کشاورزی	۹۲۵۵۱	۱۰۷۰۳۹	۱۳۵۹۹	۱۳۷۱۲	۴۶۷۸/۰۵۶	-۲۵۴۸/۴۲	-۲۰۱۵/۳۷
۲	معدن	۱۴۵۴	۲۲۱۳	۱۵۲	۲۱۳	۵۲/۲۸۸	+۲۷/۵۶	-۱۸/۳۳
۳	صنعت	۲۶۶۳۸	۳۶۸۴۳	۸۹۱۵	۱۲۰۹۹	۳۰۶۶/۷۶	۳۴۸/۵۷	-۲۳۰/۸۹
۴	آب وبرق و گاز	۱۸۴۸	۳۳۸۰	۳۸۰	۵۷۴	۱۳۰/۷۲	۱۸۴/۳	-۱۳۰
۵	ساختمان	۵۳۵۴۹	۷۲۰۹۴	۱۵۵۱۷	۲۰۲۹۴	۵۳۳۷/۸۴۸	۳/۱۰۳۴	-۵۹۵/۸۵
۶	فروش	۲۲۸۸۸	۴۵۷۷۳	۱۰۱۹۳	۱۱۷۸۳	۳۲۰۶/۳۹۲	۴۸۶۶/۵۶	-۸۶۰۰/۸۵
۷	حمل و نقل	۱۹۲۳۳	۳۹۱۰۳	۵۵۱۲	۹۵۴۰	۱۸۹۶/۱۲۸	۳۷۹۸/۳۱	-۱۶۶۶/۲۷
۸	خدمات مالی	۵۸۹۱	۸۸۴۶	۲۰۸۲۵	۱۹۸۹	۷۱۶/۲۰۸	۳۲۸/۱۲	-۱۱۳۷/۱۸
۹	خدمات اجتماعی	۷۲۱۴۸	۹۰۳۴۳	۱۶۰۲۶	۱۶۳۵۹	۵۵۱۲/۹۴۴	-۱۴۶۹/۵۸	-۳۷۰۸/۴۱
۱۰	سایر خدمات	۵۸۵۵	۸۷۳۷	۸۷۵	۱۷۱۹	۳۰۱	۱۲۹/۶۷	+۴۱۳/۰۲۶
جمع		۳۰۸۳۱۵	۴۱۴۳۷۲	۷۲۹۰۴	۸۸۲۸۲	–	–	–

مأخذ:محاسبات نگارندگان

۱ –مدل تغییر سهمی

۱,۰ Nsi = eit-۱ (E t-۱ / E t-۱ – ۱)

۲. IMi = (E ti / Eit-۱ – E t / E t-۱)

۳. RSi = e ti / eit-۱ - E ti / Eit-۱)

جدول شماره ۵. بررسی وضعیّت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره ۷۵ و ۸۵ بر مبنای اقتصاد مرجع کشور

ردیف	گروههای عمده فعّالیّت	کشور		شهرستان		nsi	imi	Rsi
		۷۵	۸۵	۷۵	۸۵			
۱	کشاورزی	۳۳۵۷۲۶۳	۳۶۸۶۷۴۷	۱۳۵۹۹	۱۳۷۱۲	۵۵۱۰/۳۱	-۴۱۷۴/۸۹	-۱۲۲۱/۱۹
۲	معدن	۱۱۹۸۸۴	۱۵۲۲۵۴	۱۵۲	۲۱۳	۶۱/۵۹	-۲۰/۵۵	۱۹/۹۵
۳	صنعت	۲۵۵۱۹۶۲	۳۴۸۵۱۹۱	۸۹۱۵	۱۲۰۹۹	۳۶۱۲/۳۵	+۳۵۲/۱۴	-۷/۱۳۲
۴	آب وبرق و گاز	۱۵۰۶۳۱	۲۲۴۸۱۱	۳۸۰	۵۷۴	۱۵۳/۹۷	+۳۳/۱۳۶	۶/۸۴
۵	ساختمان	۱۶۵۰۴۸۲	۲۶۳۱۱۴۲	۱۵۵۱۷	۲۰۲۹۴	۶۲۸۷/۴۸	۲۹۳۱/۱۶	۴۴۰۰/۶۲
۶	فروش	۱۹۲۷۰۶۷	۲۸۲۸۰۵۷	۱۰۱۹۳	۱۱۷۸۳	۴۱۳۰/۲	۶۲۸/۹	-۳۱۷۰/۰۲
۷	حمل و نقل	۹۷۲۹۷۲	۱۹۴۱۹۰۹	۵۵۱۲	۹۵۴۰	۲۱۱۴/۷۳	۳۰۸۲/۳۴	-۸۷۶/۲۷
۸	خدمات مالی	۳۰۱۹۶۲	۷۱۴۵۷۰	۲۰۸۲۵	۱۹۸۹	۸۴۳/۶۲	۲۰۰۱/۰۱	-۲۹۳۷/۷
۹	خدمات اجتماعی	۳۲۸۲۵۰۲	۴۳۲۵۱۷۳	۱۶۰۲۶	۱۶۳۵۹	۶۴۹۳/۷۳	-۱۴۰۲/۲۷	-۴۷۵۶/۵۱
۱۰	خدمات نامشخص	۲۵۷۰۲۸	۴۸۷۵۰۷	۸۷۵	۱۷۱۹	۳۵۴/۵۵	۴۲۹/۹۷۵	۵۹/۳۲
جمع		۱٤٥٧١٥٧٢	۲۰٤٧٦٣٦١	۷۲۹۰٤	۸۸۲۸۲	-	-	-

مأخذ:محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۴، روند اشتغال بخش های عمده‌ی فعّالیّت را در استان لرستان و شهرستان بروجرد برای سال‌های ۷۵ و ۸۵ نشان می دهد. اشتغال بخش‌های مختلف استان در همه بخش‌ها در طیّ این سال‌ها افزایش یافته است. اشتغال در شهرستان بروجرد به جز بخش خدمات مالی، در همه‌ی بخش ها از سال ۷۵ تا ۸۵ افزایش داشته است. همان‌گونه که در جدول شماره (۴) اجزای تحلیل تغییر سهم برای شهرستان بروجرد بر اساس آمار اشتغال نشان داده شده است، با توجه به روند صعودی اشتغال در کل استان انتظار می رود که اثر سهم استانی برای هر بخش مثبت باشد و همان‌گونه که در سطوح nsi مشاهده می‌شود، اثر سهم استانی برای هر یک از بخش‌های شهرستان بروجرد مثبت است.

در بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، فروش، حمل و نقل، خدمات مالی و خدمات نا مشخص، اثر ترکیب بخشی مثبت است و بدان معنی است که ترکیب بخشی شهرستان به صورتی است که سهم بیشتری در بخش‌هایی، که از نرخ رشد استانی بالاتری برخوردار هستند، داشته است. یعنی اگر فرض کنیم که بخش‌های عمده شهرستان هر کدام به تنهایی با همان نرخ رشد استانی خود رشد کنند، رشد متوسط شهرستان از رشد متوسط استانی بیشتر خواهد شد. چرا که سهم بخش هایی که در شهرستان مرجع از رشد بیشتری برخورداراند در ترکیب بخش شهرستان بیشتر است و درنتیجه متوسط رشد منطقه را بیشتر افزایش می‌دهد. اما اثر ترکیب بخشی در بخش های کشاورزی و خدمات اجتماعی منفی است و بدان معنی است که ترکیب بخشی منطقه به صورتی است که سهم کمتری در بخش‌هایی که از نرخ رشد استانی بالاتری برخورداراند داشته است. یعنی اگر فرض کنیم که بخش‌های شهرستان هرکدام به تنهایی با همان نرخ رشد استانی خود رشد پیدا کند، رشد متوسط استانی کمتر خواهد شد، چرا که سهم بخش‌هایی که در منطقه مرجع از رشد پایینی برخورداراند در ترکیب بخشی منطقه بیشتر است و در نتیجه متوسط رشد منطقه را بیشتر کاهش می دهد.

در بخش خدمات نا مشخص اثر رقابتی مثبت است و بیانگر امتیاز نسبی شهرستان در این بخش است، و از آن جا که سهم رقابتی مثبت در این بخش با یک ترکیب بخشی مثبت همراه شده است، بنابراین یک مزیّت نسبی بالقوه از رشد این بخش شهرستان وجود دارد که می تواند رشد بالقوه ای برای اقتصاد شهرستان باشد.

در بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، ساختمان، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی سهم رقابتی منفی، با یک ترکیب بخشی مثبت همراه شده و بیانگر این مسأله است که شهرستان در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخشی است که در چشم انداز رشد شهرستان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. این ممکن است به دلیل ضعف مدیریت، سیاست های نا مناسب محلی و... باشد، در این بخش ها باید سیاست‌گذاران دولتی و محلّی راهکارهای جدید و کارآمدی به منظور بازیابی مجدد سهم رقابتی شهرستان ارائه کنند(اکبری، ۱۳۸۷:۱۴). سهم رقابتی شهرستان بروجرد در بخش های کشاورزی و خدمات اجتماعی منفی است و در این فعّالیّت‌ها نه تنها بخش هایی با سهم کمتر از نرخ رشد استانی قرار دارند، بلکه در سطح شهرستان نیز این بخش‌ها مزیت نسبی ندارند. همان‌طور که نتایج نشان می دهند، اثر ترکیب بخشی و اثر رقابتی در یک سری موارد کاملاً با هم مطابقت دارند، ولی در برخی موارد این دو در جهت عکس یکدیگر عمل می کنند،

در بخش خدمات نامشخص این دو شاخص هر دو مثبت‌اند و این بیانگر آن است که ترکیب بخشی شهرستان به شکلی است که از مزیت رقابتی شهرستان حمایت می کند، یعنی بخشی که در شهرستان از مزیت نسبی برخوردار است، سهم بیشتری در اشتغال شهرستان نیز داراست. به بخش هایی با این ویژگی ها برنده‌ی اقتصادی می گویند.

بخش‌های معدن، صنعت، آب و برق و گاز، ساختمان، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی که دارای اثر مثبت در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در سهم رقابتی هستند که از لحاظ رشد اشتغال در سطح استانی رتبه‌ی بالاتری را دارند، کمتر موفق بوده اند و شهرستان در این بخش ها مزیت نسبی ندارد. به این بخش‌ها بخش های بازنده‌ی مختلط اقتصادی می گویند.

بخش های کشاورزی و خدمات اجتماعی که دارای یک اثر منفی در ترکیب بخشی به همراه یک اثر منفی در اثر رقابتی منطقه هستند، نشان دهنده‌ی آن است که منطقه در بخش‌هایی که از رشد ملی خوبی برخوردار نیستند، مزیت ندارد. به این بخش‌ها بازنده‌ی اقتصادی گویند و این بخش‌ها به زودی سهم خود را از اشتغال منطقه از دست خواهند داد.

بررسی وضعیّت اقتصادی در بخش‌های مختلف اقتصادی شهرستان بروجرد در دوره‌ی ۷۵ تا ۸۵ را بر اساس اقتصاد مرجع کشور نشان می دهد(جدول شماره۵)، همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر ترکیب بخشی و اثر رقابتی در بخش‌های کشاورزی و خدمات اجتماعی هر دو منفی است، در نتیجه منطقه در بخش‌هایی که از رشد منطقه ای خوبی برخوردار نیستند، مزیت ندارد و این دو بخش بازنده اقتصادی محسوب می شوند. بخش‌های آب و برق و گاز و ساختمان و خدمات نامشخص دارای اثر ترکیب بخشی و رقابتی مثبت‌اند، این بخش‌ها، بخش‌های برنده اقتصادی اند، وترکیب بخشی به شکلی است که از مزیت رقابتی منطقه حمایت می کند، یعنی بخش‌هایی که در منطقه از مزیت نسبی برخورداراند سهم بیشتری در اشتغال منطقه دارند. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که این بخش در آینده نقش بسیار مهمی در اشتغال داشته باشد.

بخش‌های صنعت، فروش، حمل و نقل و خدمات مالی که دارای اثر مثبت در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در سهم رقابتی هستند و از لحاظ رشد اشتغال در سطح منطقه رتبه‌ی بالاتری دارند، کمتر موفق بوده‌اند و منطقه در این بخش‌ها مزیت نسبی ندارد. این بخش‌ها بازنده مختلط اقتصادی هستند.بخش‌های کشاورزی و

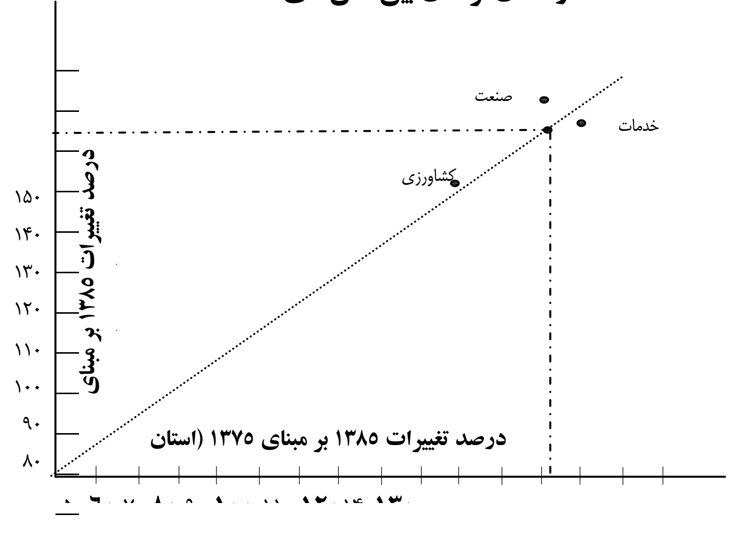
خدمات اجتماعی هر دو دارای اثر منفی در ترکیب بخشی به همراه اثر منفی در اثـر رقـابتی منطقـه‌انـد. ایـن دو بخش بخش‌های بازنده اقتصادی هستند. این بخش‌ها به زودی سهم خود را از اشتغال منطقه از دست خواهند داد.

روش دیگر، تحلیل موقعیّت اقتصادی، به منظور شناخت و پیش بینی سـهم بخـش‌هـای اقتـصادی شـهر یـا منطقه در مقایسه با کشور به کارگرفته می شود. « در این روش تغییرات ایجاد شده در درآمد، اشـتغال شـهر در ارتباط با تحول اقتصادی کشور بر سهم هر یک از عوامل در تغییر ساختار اقتصادی شـهر مـشخص مـی‌شـود. » برای کاربرد این روش از تکنیک ترسیمی طولی - عرضی والتر ایزارد استفاده می شود.« به طور کلّی این روش تفاوت رشد در بخش‌های اقتصادی شهر را در قیاس با رشد همان بخش در(سطح ملی)، در نظر دارد. »(زیاری، ۱۳۷۸ : ۱۹۳).

نمودار شماره ۱، که بر پایه‌ی اطلاعات جدول شماره‌ی ۶ ترسیم شده اسـت، نـشان مـی دهـد کـه بخـش کشاورزی در سطح منطقه ای و نیز در شهر بروجرد رشدی کمتر از متوسط رشد اقتـصادی داشـته اسـت، ایـن اختلاف درصد برای شهر بروجرد ۲۱/۵ و برای منطقه ۱۹/۲ درصد بوده است. بخش صنعت در هـر دو سـطح میزانی بیش از میانگین رشد شهرستان و استان داشته است. میزان تفاوت مذکور در شهر بروجرد، بیش از سـطح منطقه است. بخش خدمات در شهر بروجرد به میزان ۱/۱ درصد کمتر از میزان متوسط رشد شهرستان است. در میان سه بخش مذکور برای شهرستان بروجرد، بخش صنعت بالاترین میزان را داراسـت. امـا در اسـتان لرسـتان بخش خدمات است که با میزان ۱۴۶/۲ درصد بالاترین رقم را در میان سایر بخش‌ها دارد.

نمودار شماره۱ موقعیّت بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد و استان لرستان بین سال‌های ۸۵ – ۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱. موقعیّت بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد
و استان لرستان بین سال‌های ۸۵ – ۱۳۷۵



جدول شماره ٦. تغییرات کمی بخش‌های اقتصادی شهر بروجرد و استان در دوره‌ی (۸۵ – ۱۳۷۵)

سال / نوع اشتغال	بروجرد ۱۳۷۵ تعداد شاغلین	بروجرد ۱۳۸۵ تعداد شاغلین	بروجرد تغییر به درصد برپایه ۱۳۷۵	استان لرستان ۱۳۷۵ تعداد شاغلین	استان لرستان ۱۳۸۵ تعداد شاغلین	استان لرستان تغییر به درصد برپایه ۱۳۸۵
کشاورزی	۱۳۵۹۹	۱۳۷۱۲	۱۰۰/۱	۹۲۵۵۱	۱۰۷۰۳۹	۱۱۵/۵
صنعت	۲۴۸۵۴	۳۲۶۰۶	۱۳۱/۱	۸۱۶۴۱	۱۱۱۱۵۰	۱۳۶/۱
خدمات	۳۴۷۲۱	۴۱۴۹۶	۱۲۰/۱	۱۳۴۱۲۳	۱۹۶۱۸۳	۱۴۶/۲
جمع	۷۲۹۰۴	۸۸۲۸۲	۱۲۱/۲	۳۰۸۳۱۵	۴۱۴۳۷۲	۱۳۴/۳

مأخذ:محاسبات نگارندگان

زاویه‌ی B که در حدود ۴۳درجه است، نشان می دهد که طیّ سال‌های ۸۵ –۱۳۷۵، متوسط رشد اقتصادی شهر بروجرد کمتر از متوسط اقتصادی استان بوده است. مقایسه‌ی اضلاع چهار ضلعی ABCD نشان مـی دهـد که طول ضلع AB ۱/۳ برابر بیش از طول ضلع BC است. مفهوم اقتصادی آن، این است که با این که بین رشـد اقتصادی بروجرد و استان لرستان هم‌سویی و توازن نسبی وجـود دارد، در عـین حـال متوسـط رشـد اقتـصادی بروجرد در این دهه سیزده درصد کمتر از متوسط رشد اقتصادی استان لرستان بوده است.

نتیجه گیری:

شهر میانی بروجرد به سبب برخورداری از زیر ساخت‌ها، قابلیّت ها و توان‌مندی بالفعل و بالقوه در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی -اجتماعی منطقه ای و ایجاد توسعه‌ی عادلانه و متوازن در استان لرستان، نقش بسیار مـؤثّری ایفا می‌نماید. شهر بروجرد صنعتی ترین شهر استان لرستان محسوب می شود و از دیدگاه جمعیّتی پـس از خـرم آباد در رتبه‌ی دوم قرار می گیرد(موحد، ۱۳۸۷: ۹). این شهر در دو بخـش کلـی صـنعت و خـدمات خـود کفـا است، به گونه‌ای که از نظر تعداد شاغلان در کارگاه‌های بزرگ صنعتی در رتبه‌ی اول استان جـای مـی گیـرد. گرچه بر اساس الگو ضریب مکانی مزیّت نسبی در بخش صنعتی است، امـا در بخـش کـشاورزی نیـز قابلیّـت بسیار زیادی برای سرمایه گذاری دارد، به گونه ای که با اندکی توجه به ایـن بخـش مـی تـوان در آینـده بـسیار نزدیک آن را به بخش پایه‌ای و صادر کننده تبدیل ساخت. این شهر با تکیه بـر قابلیـت نـسبی(نقـش پایـه‌ای) در ایفای نقش صنعتی خود، صنعتی ترین شهر استان لرستان محسوب می‌شود (جدول شماره ۲). بـه واسـطه مزیّـت

نسبی در این بخش، از سویی می تواند موجب جذب سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و خارج استانی گردد. در عین حال که از فرار سرمایه‌های درون منطقه ای نیز جلوگیری به عمل آورد و همین موضوع به شکل عاملی در تقویت نقش اقتصادی منطقه عمل نماید، ضمن آن که با اتکاء به توان‌مندی در ارایه‌ی خدمات(به عنوان یک بخش پایه‌ای اقتصادی)به بیرون از منطقه‌ی خود، میزان درآمد و در نتیجه درآمد منطقه را افزایش دهد. از سوی دیگر به سبب رشد مثبت اشتغال در همه‌ی بخش‌های اقتصادی(به غیر از بخش خدمات مالی)، می‌تواند با ایجاد فرصت های شغلی برای نیروی کار ماهر، موجبات کاهش فقر منطقه ای را فراهم آورد. در زمینه‌ی ارتباط شهر میانی در توسعه‌ی نواحی روستایی، شهر بروجرد ضمن ایجاد بازارهای محلّی برای تولیدات روستاهای پیرامونی خود و نیز استفاده‌ی روستاییان از زیر ساخت‌های موجود شهری، می‌تواند در جهت تحرّک بخشیدن به اقتصاد روستاهای ناحیه‌ی خود، نقش مهمی ایفا نماید. در این راستا، سیاست‌گذاری های منطقه‌ای می تواند در جهت تحرّک بخشیدن به اقتصاد کشاورزی این شهر، که در حال از دست دادن مزیّت نسبی خود در منطقه است، و با دست‌یابی به نقش اقتصاد پایه ای فاصله دارد، در جلوگیری از بیکار شدن نیروی کار روستا و نتیجتاً مهاجرت به شهر، مؤثّر واقع شود. ازاین رو، شهر میانی بروجرد به دو صورت می تواند در توسعه‌ی منطقه ای استان لرستان مؤثّر باشد: ۱. با ایجاد بازار محلی برای تولیدات روستاییان، و نیز ارایه‌ی خدمات و زیرساختارهای شهری به شهرهای کوچک و روستاییان منطقه؛ ۲. به دلیل جذب سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی و خارج استانی، به عنوان نقطه‌ی قابل اتکا به واسطه‌ی زیر ساخت های لازم و نیز افزایش درآمد منطقه از طریق ارایه‌ی کالا و خدمات به بیرون از منطقه.

با توجه به نتایج به دست آمده از الگوهای ضریب مکانی و الگو تغییر سهمی (جداول شماره ۲و ۴ و ۶) رشد بخش‌های اقتصادی معدن، صنعت، آب، برق، گاز، فروش، خدمات مالی و خدمات نامشخص، می توان چنین دریافت که میزان بالای رشد متوسط این بخش‌ها، موجب افزایش میزان رشد منطقه‌ای می‌شود. در بخش خدمات نیز با توجه به این که بخش برنده‌ی اقتصادی این شهر محسوب می‌شود، انتظار آن می رود که رشد بالقوه ای برای اقتصاد منطقه به همراه داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت، شهر میانی بروجرد با دارا بودن تأثیرات مثبت کارکردی هم در توسعه‌ی اقتصادی(و متعاقباً توسعه‌ی اجتماعی) منطقه و هم در حوزه‌ی روستایی و محلی از سوی دیگر نقش مؤثّری دارد. بر همین اساس می‌تواند (در کنار شهر خرم آباد مرکز منطقه) موجب جذب بخشی از جمعیت و سرمایه‌ی منطقه شده و توزیع متعادل تر جمعیّت استان را سبب شود.

منابع و مآخذ

۱. اکبری، نعمت اله – مصری نژاد، شیرین (۱۳۸۷). "*بررسی وضعیت اشتغال در بخش های عمده اقتصادی استان اصفهان طی دوره ۷۵–۱۳۶۵*"، مجله دانشکده علوم اقتصادی و اداری اصفهان،شماره ۳۱ جلد سوم.

۲. امکچی، حمیده (۱۳۸۳)، *شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه‌ی ملی*. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری)، تهران.

۳. باقری، اشرف السادات،(۱۳۷۵)، *نقش شهرهای میانی در توسعه‌ی ناحیه ای*، رساله‌ی دکترا، به راهنمایی دکترحسین شکوئی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۴. باقری، اشرف السادات(۱۳۷۷)، "*کارکرد شهرهای میانی در توسعه‌ی ناحیه‌ای*"، فصلنامه‌ی مدرس، شماره ۸–۹.

۵. توفیق، فیروز(۱۳۸۴)، آمایش *سرزمین، تجربه های جهانی و انطباق آن با وضع ایران*،مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.

۶. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)، *برنامه ریزی ناحیه ای*، انتشارات سمت. تهران.

۷. حکمت نیا، حسن (۱۳۸۵)، *کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای*، نشر علم نوین. یزد.

۸ داوود پور، زهره (۱۳۸۳)، چگونگی *شکل گیری کلان‌شهر تهران*، آبادی شماره ۴۴–۴۳.

۹. زیاری، کرامت اله (۱۳۷۸)،*اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه* ای، انتشارات دانشگاه یزد.

۱۰. زیاری، کرامت اله ـ اقدم، تقی (۱۳۸۶)، عملکرد *شهر میانی خوی در توسعه‌ی فضائی استان آذربایجان غربی*، پژوهش های جغرافیایی ـ شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷.

۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، *سند چشم انداز بلند مدت توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران*، برنامه‌ی چهارم توسعه عمرانی.

۱۲. شکویی، حسین (۱۳۷۴)، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.

۱۳. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰)،*اقتصاد منطقه‌ای (تئوری‌ها و مدل‌ها)*، انتشارات سمت، تهران.

۱۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۷)، *برنامه ریزی توسعه منطقه ای*، انتشارات برنامه و بودجه، تهران.

۱۵. فنی، زهره (۱۳۸۷)، *بررسی کارکرد شهرهای کوچک در توسعه‌ی منطقه ای* مورد : خوزستان، پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۷.

۱۶. کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰)، *برنامه ریزی و توسعه منطقه ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)*، نشر خوشبین، تهران.

۱۷. محمدزاده تیتکانلو، حمیده (۱۳۸۱)، *تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه ای مورد. بجنورد*، رساله‌ی دکتری شهر سازی، دانشگاه تهران (*استاد راهنما. اسفندیار زبردست*)، تهران.

۱۸. محمدی داریوش (۱۳۸۶)، *خلاصه مهمترین شاخص ها و نماگرهای آماری استان لرستان*، ناشر: اداره کل آمار و اطلاعات استانداری لرستان، خرم آباد.

۱۹. مرکز آمار ایران،(۱۳۷۵)، نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵.

۲۰. مرکز آمار ایران،(۱۳۸۵)،نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵.

۲۱. معاونت برنامه ریزی استانداری لرستان، (۱۳۸۷)، ناشر اداره کل آمار و اطلاعات، خرم آباد.

۲۲. موحد، علی و مسعودی راد، ماندانا،*ارزیابی مدل‌های کمی در شبکه‌ی شهری استان لرستان*. چاپ نشده.

۲۳. هوشیار، حسن (۱۳۸۱)، برنامه ریزی توسعه‌ی فیزیکی شهرهای میانه اندام، مورد: مهاباد، پایانامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، (استاد راهنما: حسین کریم زاده دلیر)، تبریز.

۲۴. Bolay J-c ، A .Rabinovich.(۲۰۰۴)*intermediate cities in Latin America risk and opportunities of coherent urban development cities*(vol۲۱).

۲۵. George owusn.(۲۰۰۸). *The role of small towns in Regional development and poverty Reduction in Ghana,* International Journal of urban and Regional Research ،(volume۳۲,۲)

۲۶. Mal-soon min. (۱۹۹۰) *Growth of small and intermediate cities in Korea* ،۱۹۷۵-۱۹۸۰ .Korea Journal of Population and Development .(volume۱۹).

۲۷. Mathur ،O.M. (۱۹۸۲) S*mall Cities and National Development UNCRD* ، Nagoya ، Japan

۲۸ Rondinelli D.A. (۱۹۸۵*) Applied methods of regional analysis the spatial Dimension of Development policy*, West view press ، boulder.